

تحلیل عناصر تصویرساز در طنزآفرینی (با تکیه بر کاریکلماتورهای دهه‌ی نود)

لیلا محمدنژاد کلکناری*

دکتر حسین پارسایی**

دکتر حسام ضیایی***

چکیده

کاریکلماتور یکی از جریان‌های نوظهور ادبیات معاصر است که از زیرمجموعه‌های طنز و مطایبه به شمار می‌رود. پیروان این جریان برای ایجاد فضاهای طنزآمیز، از بازی‌های زبانی به عنوان شگردی ویژه بهره می‌برند. این شگرد در سایه‌ی آرایه‌های بیانی و بدیعی شکل می‌گیرد. نویسندگان کاریکلماتور با بهره‌گیری از تصاویر و ایمازهای شاعرانه، موقعیت‌های طنز می‌آفرینند. این پژوهش بر آن است تا ارتباط بازی‌های زبانی را با تصاویر و فضاهای کاریکلماتوری بررسی کند و تأثیر آن‌ها را در ایجاد مفاهیم طنزآمیز به شکل آماری تحلیل کند. نویسندگان با بررسی پنج مجموعه کاریکلماتور دهه‌ی نود، شگردهای ایجاد طنز را در مقوله‌های کنایه، ایهام، تضاد، جناس، تلمیح، نقیضه‌ی شعر و ضرب‌المثل، حسن تعلیل و تجسم دانسته‌اند که از بین این عناصر تصویرساز و طنزآفرین، کنایه و ایهام بیشترین فراوانی را در مجموعه کاریکلماتورهای دهه‌ی نود دارند.

کلیدواژه‌ها: کاریکلماتور، طنز، بازی زبانی، تصویر، دهه نود.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، قائم‌شهر، ایران.

Email: L_mohammadnejad96@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم‌شهر، قائم‌شهر، ایران (نویسنده مسئول).

Email: h.parsaei@qaemiau.ac.ir

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم‌شهر، قائم‌شهر، ایران.

Email: ziaee.hesam@qaemiau.ac

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۲۶

بیان مسأله

طنز قالب‌های گوناگونی دارد که کاریکلماتور یکی از آنهاست. قالبی که در شکل جملاتی کوتاه و موجز بر ذهن مخاطب تأثیر می‌گذارد و او را برای لحظاتی کوتاه به تفکر و تأمل و خنده‌ای گاه تلخ و گاه شیرین وا می‌دارد. در دهه‌ی نود چاپ مکرر چندین مجموعه کاریکلماتور، نشان‌دهنده‌ی استقبال از این شاخه‌ی ادبی و تقویت و تکامل آن در میان جریان‌های ادبیات معاصر است. از یک سو اندیشه‌های متفاوت و گاه متضاد زیربنای فکری این کاریکلماتور را تشکیل می‌دهد و از سوی دیگر شگردهای گوناگون ساخت طنز در هر یک از این مجموعه‌ها، بیانگر تنوع تکنیک این نویسندگان و کارآیی و تأثیر متن بر مخاطبان است. از آن جا که کاریکلماتور از زیرمجموعه‌های طنز و مطایبه به شمار می‌رود، بالطبع طنزپردازان بسیاری از فنون و شگردهای طنز را در ساخت کاریکلماتور به کار می‌برند.

پیروان این جریان ادبی برای عنصر زبان اهمیت خاصی قایلند؛ به همین سبب در ساخت کاریکلماتور به بازی‌های زبانی به عنوان شگردی ویژه می‌نگرند. ذبیح‌الله صفا این شگرد را یکی از سرچشمه‌های مضمون‌آفرینی در شعر سبک هندی می‌داند که «اگر شاعری می‌توانست خوب از این هنر بهره‌گیرد قادر به آفرینش نکته‌های جالب می‌گردد.» (۱۳۸۲: ۵۷۱) سیدحسین حسینی نیز با اشاره به پیوند مضامین کاریکلماتوری با سبک هندی، معتقد است که «استخراج مضمون از چیزهای دم‌دستی، ریزبینی نمکین، بالاخص سود جستن از اضلاع معنوی یک واژه یا اصطلاح و به تعبیری ساده‌تر و همه‌فهم بازی با کلمات، از ویژگی‌های بارز سبک هندی است.» (۱۳۸۷: ۴۷) بازی‌های زبانی در کاریکلماتور در سایه‌ی صنایع بیانی و بدیعی شکل می‌گیرد. این گونه آرایه‌ها به دلیل خاصیت چندمعنایی و نمایشی کردن اندیشه‌ها در طنز به ویژه کاریکلماتور کاربرد بسیاری دارند. تصویری بودن کاریکلماتور ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای در اختیار نویسنده قرار می‌دهد تا با کمک عناصر تصویرساز، موقعیت‌های طنزآفرین را در کنار هم بچیند. اگرچه کسانی چون شفیعی‌کدکنی و شمیسا تعدادی از مهم‌ترین عناصر تصویرساز را معرفی کرده‌اند؛ اما عناصر دیگری نیز در ایجاد طنز در کاریکلماتور مؤثرند. به همین سبب

دایره‌ی صورت‌های خیال را می‌توان گسترده‌تر کرد؛ زیرا «حوزه‌ی تحقیقات در باب صور خیال و تصویرهای شاعرانه در هر زبان و در هر دوره و حتی در مورد هر شاعر بسیار وسیع و کاری محال و ناشدنی می‌نماید» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۹۷)

اهداف و ضرورت‌های پژوهش

هدف این پژوهش بررسی و تحلیل آماری عناصر تصویرساز در ایجاد طنز و ارتباط آن با بازی‌های زبانی در کاریکلماتور است. نویسندگان کاریکلماتور برای ساخت مفاهیم طنزآمیز از تصاویر و ایماژهای شاعرانه‌ای بهره می‌گیرند که بازی‌های زبانی در ایجاد آن نقش مؤثری دارد. به همین دلیل، تحلیل فضاهای کاریکلماتوری با کمک تصاویر خیال‌انگیز و ارتباط آن با بازی‌های زبانی می‌تواند برای شناخت و تقویت زیبایی‌شناسی این جریان مفید باشد.

پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهند تحلیل مضامین و تخیل در کاریکلماتورهای دهه‌ی نود در یک مقاله‌ی مستقل سابقه ندارد؛ اما کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی وجود دارند که نویسندگان به بررسی و تحلیل مجموعه‌های کاریکلماتور پرداخته‌اند:

فاطمه تسلیم‌چهرمی و یحیی طالبیان (۱۳۹۱) در کتاب «کاریکلماتور در گستره‌ی ادبیات فارسی» پژوهش گسترده‌ای در پیشینه و ویژگی‌های کاریکلماتور با تکیه بر آثار پرویز شاپور انجام داده‌اند. در این کتاب که نخستین اثر پژوهشی در این حوزه به شمار می‌آید، علاوه بر بررسی پیشینه و ویژگی‌های زبانی، فکری و ادبی کاریکلماتور، شگردهای آفرینش آن با کمک عناصر تصویرساز نیز به اجمال بحث و تحلیل شده است.

کردیچه و شریفی (۱۳۹۳) در مقاله‌ی «ایجاز و صنایع ادبی، زیربنای کاریکلماتور» کاریکلماتور را از معدود متون ایجازی دانسته‌اند که بر مبنای صنایع ادبی بنا شده است. نویسندگان، رویکرد کاریکلماتورنویسان را به صناعی چون تشبیه، استعاره، حس‌آمیزی، ایهام، استخدام، حسن تعلیل، جاندارگرایی، کنایه و... بررسی و تحلیل کرده‌اند.

محمد هنرور و نجم‌الدین جباری (۱۳۸۴) در پایان‌نامه‌ای با موضوع «بررسی عناصر ساختاری در کاریکلماتور» با تحلیل فرآیندهای زبانی، عاطفی و ادبی در ساخت کاریکلماتورهای پرویز شاپور، جایگاه این شگرد ادبی را در میان دیگر شگردهای خنده‌ساز سنجیده‌اند.

طیبه غریب و علی صباغی (۱۳۹۶) در رساله‌ی «بررسی و تحلیل تصاویر کاریکلماتورهای پرویز شاپور» با بررسی کتاب «پایین آمدن درخت از گربه» به این نتیجه دست یافتند که تصاویر مجازی، اثباتی و سطح پریسامدترین تصاویر کاریکلماتورهای شاپور هستند. هم‌چنین در مورد عاطفه در تصویر، تصاویر پرویز شاپور به ترتیب بیشترین ویژگی‌های همدلی، یگانگی و وصف را دارند.

پرسش‌های پژوهش

مقاله‌ی حاضر پاسخگوی پرسش‌های زیر خواهد بود:

- ۱- عناصر تصویرساز در کاریکلماتور کدامند؟
- ۲- نویسندگان کاریکلماتور چگونه از بازی‌های زبانی و عناصر تصویرساز برای طنزآفرینی بهره می‌برند؟
- ۳- نویسندگان کاریکلماتور در دهه‌ی نود از کدام شگردهای تصویرساز بیشتر استفاده می‌کنند؟

حدود پژوهش

- خوشمزه‌ترین میوه درخت (۱۳۹۰) نوشته‌ی محمدعلی آزادبخواه،
- اتو برای چروک صورت (۱۳۹۰) نوشته‌ی امیر خوش‌وقتی (تنها)،
- قلم کم حرف (۱۳۹۵) نوشته‌ی سهراب گل‌هاشم،
- نانوا هم جوش شیرین می‌زند بیچاره فرهاد! (۱۳۹۷) نوشته‌ی مهدی فرج‌اللهی،
- رفتنت برایم آمد نداشت (۱۳۹۷) نوشته‌ی احمدرضا بهرام‌پورعمران.

روش پژوهش

شیوه‌ی انجام این پژوهش تحلیل متن است. در این تحقیق، ابتدا مجموعه کاریکلماتورهای دهه‌ی نود را انتخاب کردیم. پس از مطالعه‌ی دقیق، عناصر تصویرساز موجود در آن‌ها جمع‌آوری شدند. بعد از جمع‌آوری داده‌ها، مضامین مشابه را دسته‌بندی کردیم. سرانجام به تحلیل نمونه‌ها و داده‌های خام جمع‌آوری شده پرداختیم.

بحث و بررسی

کاریکلماتور و پیشینه‌ی آن

کاریکلماتور نوشته‌ای کوتاه و طنزآمیز است که با نگاه تازه و متفاوت به پدیده‌های پیرامون و کشف رابطه‌ی میان اشیا و موجودات، قلمرو تازه‌ای از واقعیات جهان را پیش چشم مخاطب به نمایش می‌گذارد. نویسنده‌ی کاریکلماتور بر تن مفاهیم ذهنی خود لباس طنز می‌پوشاند و با کمک عناصر برجسته‌سازی و غافلگیری از یک سو خنده‌ای گاه شیرین و گاه تلخ بر لب مخاطب می‌نشانند و از سوی دیگر با ضربه‌ای کوتاه ولی مؤثر ذهن او را تا مدت‌ها درگیر می‌کند. به تعبیر آبرامز، خنده سلاح طنز برای اصلاح معایب و مفاسد است. (۱۹۹۹: ۲۷۷)

خاستگاه کاریکلماتور را طنز و مطایبه دانسته‌اند. «در واقع کاریکلماتور بین دو محدوده‌ی طنز و فکاهی در حرکت مداوم است. در جایی که هدف خندانندن است به مطایبه و آن جا که خنده برای استهزا گرفتن مشکلات است به طنز پهلو می‌زند.» (تسلیم‌جهرمی و طالبیان، ۱۳۹۱: ۳۶) نخستین بار احمد شاملو در سال ۱۳۴۶ تعدادی از جملات کوتاه پرویز شاپور را در مجله‌ی خوشه چاپ کرد و به طنز نام کاریکلماتور را برای آن‌ها به کار برد. این واژه‌ی قراردادی و دوزبانه از ترکیب دو واژه‌ی «کاریکاتور» انگلیسی و «کلمات» فارسی ساخته شده است.

با آن که تاکنون تعریف جامع و کاملی از کاریکلماتور ارائه نشده؛ اما از لابه لای تعاریف متعدد می‌توان به ویژگی‌های مختلف آن پی برد. در فرهنگ‌نامه‌ی ادب فارسی به کوتاهی و طنزآمیز بودن آن اشاره شده است: «کاریکلماتور نوعی جمله‌ی قصار یا کلام کوتاه منشور و ساده

است که به یک موضوع واحد می‌پردازد و مضمون آن دربردارنده‌ی نکته‌ای فکاهی یا جدی است.» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۱۳۴) شمیسا بر این نکته تاکید دارد که «کاریکلماتور سخنان کوتاه حکیمانه و طنزداری است که گاهی به کلمات قصار نزدیک می‌شود؛ زیرا در آن نکته‌ای است.» (۱۳۷۶: ۲۳۷) عزیز محمدی اصل غافلگیری را نیز به کاریکلماتور می‌افزاید: «کاریکلماتورها جملات کوتاه و حاوی نکات برجسته و طنزگونه‌ای هستند که با استفاده از عنصر غافلگیری، ذهن خواننده را درگیر و با ضربه‌ای کوتاه ولی جایگیر تا مدت‌ها تأثیر خود را بر ذهن و زبان مخاطبش حفظ می‌کند.» (۱۳۸۵: ۷) حسین‌پور به شگردهای بازی با کلمات و کاربرد مفاهیم متضاد در کاریکلماتور اشاره می‌کند که «نویسنده با برجسته کردن برخی جزئیات، بازی با کلمات، برخورد با مفاهیم متضاد و... باعث ایجاد ذوق و تفکر در خواننده می‌گردد.» (طالبیان و تسلیم‌جهرمی، ۱۳۹۱: ۲۵) عمران صلاحی با تأکید بر ایجاز و تلفیق خط با کلمه می‌نویسد: «کاریکلماتور یعنی عوض کردن جای کلمه و خط با هم. یعنی با کلمه ترسیم کردن و با خط تحریر کردن. با کمترین کلمات و حداقل خطوط.» (همان، ۳) هرچند کاریکلماتور در تعاریف ارائه شده، در قالب نثر ظهور می‌یابد؛ اما استفاده از امکانات فوق‌العاده زبان، می‌تواند آن را به شعر نزدیک کند. اگر این نظر را بپذیریم که کاریکلماتور گاه به شعر پهلو می‌زند، پس لااقل می‌توان بعضی از آن‌ها را در قالب شعر منشور جای داد. به اعتقاد شفیع‌کدکنی شعرهای منشور معمولاً کوتاه‌اند و جهان‌بینی و حال و هوای شعر بر فضای اثر حکومت می‌کند. (۱۳۹۱: ۲۴۲) که با کاریکلماتور همخوانی دارد.

زیباشناسی تصویر و پیوند آن با بازی‌های زبانی

زیباشناسی یک اثر در نقد ادبی نوین، مسأله‌ای است که باید آن را به عنوان یک مقوله‌ی مستقل مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد. ادگار آلن‌پو معتقد است که هنرمند: «با نیک و بد و یا حقیقی بودن کاری ندارد. سروکارش فقط با زیبایی است. وظیفه‌ی نخستین او رسیدن به زیبایی برین است که زیبایی این جهانی جلوه‌ای از آن است.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۰) در نقد زیباشناسی یک متن ادبی، همه‌ی عناصر ادبی اعم از موسیقی، زبان، عاطفه، صورخیال و اندیشه

باید در کنار هم مورد ارزیابی قرار گیرد. کالریج بر این نکته تاکید دارد که «لذتی که از کل اثر می‌بریم با لذت حاصل از یک‌یک اجزا، ترکیب سازگار و حتی ناشی از آن است.» (دیچز، ۱۳۷۳: ۱۷۳) بنابر این زیبایی یک اثر را باید محصول مجموعه‌ی زیبایی بخش‌های گوناگون آن دانست. با این حال از دیرباز در کتب بلاغت، خیال را جوهر اصلی و عنصر ثابت ادبیات به ویژه شعر معرفی کرده‌اند. ایماژ یا تصویر پرکاربردترین اصطلاح نقد ادبی معاصر است. منتقدان معاصر عرب برای این واژه، صورت یا تصویر و پژوهشگران ادبیات فارسی هم اصطلاح خیال را برای آن پیشنهاد کرده‌اند. برای اولین بار شفیع‌ی کدکنی در کتاب صورخیال در شعر فارسی با اشاره‌ی مبسوط به تعاریف گوناگون خیال از دیدگاه علمای بلاغت، آن را تصرف ذهنی شاعر در مفهوم طبیعت و کوشش ذهنی او برای برقراری نسبت میان این دو دانست. (۱۳۷۵: ۲۰) فتوحی رایج‌ترین تعریف تصویر را هرگونه تصرف خیالی در زبان می‌داند. این مفهوم شامل کلیه‌ی کاربردهای زبان مجازی و صناعات و تمهیدات بلاغی می‌شود. (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۴) هواداران نقد جدید و فرمالیست‌ها معتقدند که «کلید راهیابی به معنا و دنیای ذهن و روان هنرمند در مجازهای زبانی است و از طریق تحلیل تصویرهای مجازی می‌توان به آن دنیای درونی و پنهان راه یافت.» (همان، ۴۵)

کاریکلماتور به عنوان یک جریان طنزآفرین با بازی‌های زبانی پیوند تنگاتنگی دارد. مفاهیم طنزآمیز در کاریکلماتور در سایه‌ی پیوند طنز و تصویرشکل می‌گیرد. این گونه شگردهای زبانی به دلیل ایجاد فشردگی کلام و خاصیت چندمعنایی در طنز و مطایبه کاربرد بسیاری دارند. نویسنده‌ی کاریکلماتور با ظرافت موقعیت‌های طنزآفرین را در کنار هم می‌چیند تا از معانی مختلف واژه‌ها تصاویر چندمعنایی بیافریند. از آن جا که «اهمیت و زیبایی تصویر در شگفتی و غرابت آن است» (همان، ۲۱) نویسندگان کاریکلماتور نیز از تصاویر ادبی برای ایجاد غرابت و شگفتی و تأثیرگذاری بیشتر در ذهن مخاطب بهره می‌برند. بازی‌های زبانی طیف گسترده‌ای از صنایع ادبی را در برمی‌گیرد که به دلیل خاصیت چندمعنایی و قابلیت تصویرسازی و طنزپردازی ابزاری برای ساخت کاریکلماتورند.

عناصر تصویرساز در کاریکلماتور

کنایه

کنایه یکی از شگردهای زیبایی‌آفرینی در علم بیان است که با دو مفهوم دور و نزدیک، منطق زبان عادی را درهم می‌ریزد. ارائه‌ی مفهوم صریح و مشخص، ذهن را از تامل و تفکر دور می‌دارد، حال آن که کنکاش برای کشف معانی سخن پوشیده و غیرحقیقی سبب مشارکت ذهن در دریافت مفاهیم متعدد و لذت هنری می‌گردد. به همین دلیل علمای بلاغت، کنایه را ترک تصریح به چیزی نامیده‌اند. به عقیده‌ی تفتازانی الکنایه ابلغ من التصریح: کنایه رساتر از تصریح است. (تفتازانی، ۱۳۷۴: ۳۷۵) از آن جا که کنایه با خاصیت دومعنایی خود با فشردگی کلام و اقتصاد زبانی ارتباط دارد، همواره از صنایع ادبی مورد علاقه‌ی نویسندگان کاریکلماتور است.

- تنها مسابقه‌ای که همه‌ی شرکت‌کنندگان از آن روسفید بیرون می‌آیند، مسابقه‌ی ماست‌خوری است. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۲۵)

ترکیب «روسفید بیرون آمدن» کنایه از موفق شدن است؛ اما معنای تصویری سفید شدن چهره هنگام خوردن ماست هم موردنظر نویسنده است.

- هیچ کس دل و دماغ ندارد، گویی همه ناقص‌الخلقه به دنیا آمده‌اند. (همان، ۱۲۵)

دل و دماغ نداشتن کنایه از بی‌حوصله بودن است؛ اما با توجه به ناقص‌الخلقه به دنیا آمدن، معنای حقیقی این کنایه نیز مدنظر نویسنده بوده است.

هر چند علمای بلاغت، کنایه را لفظی در معنای غیرحقیقی آن دانسته‌اند؛ اما در کاریکلماتور توجه به معنای حقیقی این صنعت به عنوان یک شگرد طنزآفرین هم مطرح است. در حقیقت، تحلیل کنایه‌ها در کاریکلماتور نشان می‌دهد که طنز موجود در معنای حقیقی و پیوند آن با واژه‌های دیگر نهفته است. نویسندگان بلاغت جدید نیز به این مسأله توجه کرده‌اند. به اعتقاد نویسنده‌ی جواهرالبلاغه، کنایه «به دلیل این که قرینه‌ای ندارد تا از اراده‌ی معنای حقیقی جلوگیری شود، جایز است معنای حقیقی آن نیز اراده شود.» (هاشمی، ۱۳۷۷: ۳۰۳) به همین سبب، آن را «ابزار ایجاد ایهام در شنونده» (همان، ۳۰۶) دانسته‌اند.

- دانشجویی که سرگرم دود چراغ خوردن بود، درگذشت. (بهرام پورعمران، ۱۳۹۷: ۷۷)
دود چراغ خوردن در معنای کنایی مطالعه‌ی زیاد و تجربه اندوختن به کار رفته است؛ اما درگذشت دانشجو، مخاطب را به معنای حقیقی دود خوردن هدایت می‌کند. ناگفته پیداست که طنز موجود در این کاریکلماتور در صراحت و عریانی معنای حقیقی نهفته است.

- کسی که لکنت دارد، سر حرف اولش می‌ایستد. (همان، ۲۳)
سر حرف اول ایستادن کنایه از پافشاری روی عقیده است؛ اما عبارت لکنت زبان داشتن به این کنایه معنای حقیقی می‌بخشد.

- از بس پشت سرم صفحه گذاشته‌اند، مردم خیال می‌کنند یکی از مشاهیر عالم موسیقی‌ام (آزادخواه، ۱۳۹۰: ۱۲۶)

ترکیب کنایی «پشت سر کسی صفحه گذاشتن» به معنای طرح نقشه‌ای شوم است؛ اما کاربرد واژه‌ی موسیقی، صفحه‌ی موسیقی را هم به ذهن مخاطب متبادر می‌کند که همین مسأله طنز کاریکلماتور را تقویت کرده است.

- تخم مرغ جلوی چشم همه توزرد از آب درآمد. (تنها، ۱۳۹۰: ۴۹)
عبارت «توزرد از آب درآمدن» کنایه از نامرغوب است؛ اما نویسنده با ایجاد مراعات‌النظیر بین توزرد و تخم مرغ علاوه بر هدایت مخاطب به سمت معنای حقیقی کنایه، طنز را شدت بخشیده است.

- باران و آفتاب، زندگی را تر و خشک می‌کنند. (فرج‌اللهی، ۱۳۹۷: ۵۰)
«تر و خشک کردن» کنایه از نهایت مراقبت کردن از کسی است؛ اما باران و آفتاب، معنای حقیقی کنایه را به ذهن مخاطب می‌آورد.

البته همواره این گونه نیست که معنای حقیقی کنایه‌ها مدنظر نویسندگان باشد، بلکه معنای کنایی نیز طنزآفرینند: - گاهی سربازان کهنه‌کار نیز در جنگ دست و پای خود را گم می‌کنند. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۴۱)

- جراح مصمم به حرفش جامه‌ی عمل می‌پوشاند. (بهرام پورعمران، ۱۳۹۷: ۹۰)

- اگر سکوت شنیده‌ها را بگوید، سنگ روی سنگ نمی‌ماند. (آزادبخواه، ۱۳۹۰: ۶)
- روی پای خودش ایستاد، با آن که آن‌ها را در جبهه جا گذاشته بود. (تنها، ۱۳۹۰: ۴۸)
- عاشق بی‌دست و پا، دست و پای عشق را می‌بندد. (فرج‌اللهی، ۱۳۹۷: ۱۸)
- با جان‌کندن، عزرائیل را ملاقات کردم. (همان، ۴۰)
- گاهی نویسندگان با به کار بردن چند کنایه در یک کاریکلماتور و ایجاد تضاد و تقابل بین آن‌ها، علاوه بر ایجازآفرینی بیشتر، بر زیبایی مفاهیم طنزآمیز می‌افزایند.
- رفته بود سر و گوشی آب بدهد که سرش را بر باد داد. (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۸۲)
- لطفا وقتی دستم خالی است، زیر پایم را خالی نکن (همان، ۸۷)
- بعضی‌ها دست‌تان را می‌گیرند تا پایتان را از گلیم‌تان درازتر نکنید. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۱۴۰)
- بعضی از شاعرها دو ساعت قافیه می‌چینند تا بگویند همه چیز ردیف است. (همان، ۱۳۸)
- خشکسالی چنان پدری از رودخانه درآورد که آرزوی رفع تشنگی ماهی‌ها را به گور برد.
- (آزادبخواه، ۱۳۹۰: ۶)
- دهانم بوی شیر می‌دهد، کله‌ام بوی قرمه سبزی (فرج‌اللهی، ۱۳۹۷: ۳۶)
- به دلم آمد می‌آیی، آمدی، دلم رفت. (همان، ۱۰)

ایهام

- آن چه نویسنده را وامی‌دارد تا صنعت ایهام را به عنوان شگرد ویژه ساخت کاریکلماتور مدنظر داشته باشد، خاصیت چندمعنایی آن است زیرا در ایهام «کلمات موهم معانی مختلفند (حداقل دو معنی) و ممکن است با آن معانی مختلف، با کلمات دیگر کلام رابطه ایجاد کند.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۰۱) به اعتقاد دهقانیان «ساختار چندمعنایی مشخص‌ترین ویژگی ایهام است.» (۱۳۸۶: ۱۸۳) نویسندگان کاریکلماتورهای دهه‌ی نود به دلیل ظرفیت‌های نهفته در این صنعت، از آن برای ایجاد طنز بسیار بهره برده‌اند.
- نقاش کمر و خجالت می‌کشید. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۶۵)

«خجالت کشیدن» در معنای کنایه شرم و حیا داشتن به کار رفته است اما با توجه به واژه‌ی «نقاش» می‌توان برای آن، کشیدن نقش خجالت را هم در نظر گرفت. این نویسنده در کاریکلماتور دیگری هم از این ایهام برای طنزآفرینی بهره برده است:

– نقاش لال فریاد می‌کشید. (همان، ۱۴۴)

– روس‌ها پوتین دارند و ما انبوهی پابره‌نه (همان، ۱۱۶)

«پوتین» در تقابل با «پابره‌نه‌ها» کفش را به ذهن متبادر می‌کند اما با توجه به واژه‌ی «روس‌ها» رییس جمهور روسیه نیز مدنظر نویسنده بوده است.

از آن جا که «اصولا آن چه باعث لذت خواننده از یک اثر ادبی می‌شود، تلاش ذهنی او برای دریافت مقصود گوینده است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۹۰) در ایهام نیز خواننده با درنگ و کنکاش در کشف معانی مختلف، ذهن خود را به چالش می‌کشاند و در خلق مفاهیم ذهنی نویسنده شریک می‌شود.

– همه‌ی آدم‌ها صاحب نامند. (بهرام پورعمران، ۱۳۹۷: ۲۴)

«صاحب نام» ایهام دارد:

۱- مشهور و معروف،

۲- دارای اسم.

– بوکسورها چانه‌زن‌های قهاری هستند. (همان، ۱۰)

اصطلاح «چانه‌زن» را می‌توان در دو معنا در نظر گرفت:

۱- کسی که هنگام خرید چانه می‌زند،

۲- کسی که در مسابقه‌ی بوکس به چانه‌ی حریف ضربه وارد می‌کند.

– قفس بی‌در هم نوعی آزادینخواه است. (آزادینخواه، ۱۳۹۰: ۲۰)

«آزادینخواه» در تقابل با «قفس» در معنای خواهان آزادی به کار رفته است اما با توجه به نام نویسنده، آزادینخواه را به ذهن متبادر می‌کند.

– چنان استخوان‌دار بود که همیشه چند تا سگ ولگرد دورش انتظار می‌کشیدند. (همان، ۱۲۶)

ترکیب «استخوان‌دار» به معنی ریشه‌دار و باصل و نسب است اما با توجه به واژه‌ی «سگ‌های ولگرد» می‌توان دارنده‌ی استخوان را هم از آن دریافت کرد.

- عقب‌مانده بود، سوار قطار سریع‌السیر شد. (تنها، ۱۳۹۰: ۹۶)

«عقب‌مانده» علاوه بر کندذهن، در برابر واژه‌ی «قطار سریع‌السیر» عقب ماندن را هم به ذهن مخاطب متبادر می‌کند.

- باد کلاه‌برداری کرد. (همان، ۱۲۹)

«کلاه‌برداری» از ایهام‌های پربسامد در کاریکلماتور است. از یک سو معنای حقه‌بازی و فریب‌کاری را به ذهن می‌آورد و از سوی دیگر با توجه به واژه‌ی «باد» می‌توان برداشتن کلاه را هم در نظر داشت.

- به مناظره دعوت می‌کنم / چشمانت را (فرج‌اللهی، ۱۳۹۷: ۲۰)

واژه‌ی «مناظره» هم در معنای گفتگو کردن و هم در تقابل با واژه‌ی «چشمان» در معنای نگاه کردن به کار رفته است.

- رژیم / به درد آدم‌های چاق می‌خورد. (همان، ۲۸)

از واژه‌ی «رژیم» می‌توان دو معنای متفاوت دریافت کرد:

۱- حکومت،

۲- تغذیه مناسب.

نویسندگان کاریکلماتور با بهره‌گیری از گونه‌های مختلف ایهام بر لطف و ظرافت کلام خود می‌افزایند. دقت و تأمل در مناسبات کلمات و کشف شگفت‌کاری این صنعت، مخاطب کاریکلماتور را نیز به چالش ذهنی می‌کشاند. ایهام تناسب تلفیقی از آرایه‌های ایهام و مراعات‌النظیر (تناسب) است. معنای نخست واژه، مورد نظر نویسنده است اما معنای دیگر آن با کلمه یا کلماتی از متن تناسب دارد. به نظر می‌رسد نویسنده‌ی کاریکلماتور با ایجاد این تناسب، طنز می‌آفریند.

- شاید حکیم نظامی پزشک ارتش بوده است. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۱۳)

مفهوم مورد نظر نویسنده از واژه‌ی «نظامی» شاعر قرن ششم هجری است اما در معنای فرد نظامی با واژه‌ی «ارتش» تناسب دارد.

- ماهی‌ها با تور صیاد به سفر رفتند. (تنها، ۱۳۹۰: ۹۶)

«تور» در این کاریکلماتور در معنای تور ماهیگیری به کار رفته اما در تناسب با واژه‌ی «سفر»، تور گردشگری نیز مدنظر نویسنده بوده است.

در ایهام تبادر «واژه‌ای از کلام واژه‌ی دیگری را که با آن هم‌شکل یا هم‌صداست، به ذهن متبادر می‌کند.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۳۳)

- پدر شعر نو نیمه طاقباز کنار گردآورنده‌ی آثار خویش خفته است. (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۹۳)

در این کاریکلماتور، طاقباز نام سیروس طاهباز را که در روستای یوش در کنار آرامگاه نیما دفن شده است، به ذهن متبادر می‌کند.

- با آن که چینی بلد نبود اما دست از سخن‌چینی بر نمی‌داشت. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۷۸)

شکل ظاهری واژه‌ی «سخن‌چینی» با توجه به کلمه‌ی «چینی» در جمله‌ی قبل، سخن‌چینی را به ذهن می‌رساند و ایهام تبادر می‌سازد.

در ایهام تضاد معنی دوم واژه‌ی ایهامی با کلمه‌ای دیگر تضاد به وجود می‌آورد.

- مرگ ماهی را از تنگ منها و اشک را در چشم من جمع کرد. (آزادخواه، ۱۳۹۰: ۱۱۰)

نویسنده «جمع» را در معنای انباشتن به کار برده اما در معنی یکی از چهار عمل اصلی ریاضی، با منها ایهام تضاد ساخته است.

- آدم خام را به سادگی می‌توان پخت. (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۳۰)

دو واژه‌ی «خام» و «پخت» در معنای دوم با هم ایهام تضاد دارند.

نقیضه‌گویی

مهدی اخوان‌ثالث در کتاب «نقیضه و نقیضه‌سازان» با بحث تفصیلی درباره‌ی این شگرد در ادبیات فارسی، آن را به دو دسته‌ی نقیضه‌ی جد و هزل تقسیم کرده است. به اعتقاد او نقیضه‌ی

جد در رد و تخطیه‌ی شعر یا اثر ادبی دیگر اعم از شعر یا نثر به کار می‌رود و نقیضه‌ی هزل نیز همان پارودی در ادبیات غرب است. (رک ۱۳۷۴: ۲۹) «پارودی شعری است که به تقلید از شعر دیگری گفته شده و مبتنی بر طنز و هزل است و در حقیقت اثر دومی اثر نخستین را به سخره گرفته است.» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۳۰) در اکثر تعاریفی که از نقیضه و پارودی ارائه شده، تخطیه و تمسخر اثر نخستین را مدنظر قرار داده‌اند. تحلیل نقیضه در شعر و نثر فارسی نه تنها این دو صفت را تا حدودی از این شگرد ادبی دور می‌سازد بلکه بررسی کاریکلماتور رد این مسأله را در ذهن پژوهشگر تقویت می‌کند. نقیضه در کاریکلماتور تقلید مضحکه‌آمیز و ابزاری برای تخطیه‌ی مفاهیم ادبی نیست بلکه در خدمت ایجاد طنز فاخر است. اخوان‌نالت در بحث از اغراض نقیضه‌سازی چهار هدف استهزا و تمسخر، تفنن و تفریح، اجتماعی و انتقادی و غرض بینابین را برای آن برمی‌شمارد. (رک ۱۳۷۴: ۱۱۶-۱۳۲) به نظر می‌رسد در کاریکلماتور غرض اجتماعی و انتقادی بیش از دیگر اغراض برای نویسنده اهمیت دارد. نویسنده‌ی کاریکلماتور از نقیضه با انگیزه‌ی طرح طنزآمیز برخی از مفاهیم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... بهره می‌گیرد. بررسی کاریکلماتورهای دهه‌ی نود نشان می‌دهد که نقیضه در این جریان ادبی در اکثر مواقع با تقلید از بیت‌های مشهور و ضرب‌المثل‌ها روی می‌دهد:

الف) نقیضه‌ی شعر

در این شیوه، نویسنده همه یا بخشی از یک مصراع یا بیت را با انگیزه‌ی طنزآفرینی در کاریکلماتور می‌گنجاند. آن چه در این شیوه برای نویسنده و مخاطب اهمیت دارد، اصل غافلگیری و نتیجه‌ی خلاف انتظار است که سبب انبساط خاطر و اعجاب می‌شود. از آن جا که «در همه‌ی انواع نقیضه‌ها باید کلام نقیضه شده مشهور و معروف باشد» (همان، ۱۶۱) نویسندگان کاریکلماتور نیز به این اصل کلی و ابتدایی توجه کرده و ابیات معروف شاعران بزرگ را برای انتقال مفاهیم طنزآمیز خود برگزیده‌اند.

- دشمن طاووس آمد باغ وحش (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۷۸)

نویسنده در این کاریکلماتور شعر معروف:

دشمن طاووس آمد پر او ای بسی شه را بکشته فر او (مولوی، ۱۳۷۵: ۱۸)

را به گونه‌ای طنزآمیز در انتقاد از وضعیت ناهنجار باغ وحش تغییر داده است.

تغییر کلمه‌ای در بیت نقیضه شده و بهره‌برداری طنزآمیز از آن، حکایت از مهارت و قوت قریحه‌ی نقیضه‌پرداز دارد. به گونه‌ای که «اگر نقیضه‌گو در هنر خود مهارت داشته باشد، انگار آن سخن اصلا برای همین جای عاریتی که سخنگوی نقیضه‌پرداز آورده گفته شده بوده است و لاغیر.» (اخوان‌ثالث، ۱۳۷۴: ۱۶۲) این نکته را در کاریکلماتور زیر با تغییر واژه‌ی «اعضا» به «ابزار» می‌توان دید:

- سعدی! کجایی که بنی آدم ابزار یکدیگرند. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۹۲)

در نمونه‌های زیر نویسندگان با بهره‌گیری کامل از مصراع‌های معروف، مضمون‌های مطایبه‌آمیز شکار کرده‌اند:

- تو کز محنت دیگران بی غمی قطعا مدیری، مسئولی، چیزی هستی (همان، ۷۷)

که نقیضه‌ای از بیت معروف سعدی است.

- غزل داد جارویی به دستم آن نگار حکایت از زن ذلیل بودن خداوندگار شعر فارسی دارد

(بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۵: ۶۶)

نقیضه‌ای از بیت مولاناست:

داد جارویی به دستم آن نگار گفت کز دریا برانگیزان غبار (۱۳۹۶: ۵۲۲)

- تلفن همراه جهانیست بنشسته در گوشه‌ای (همان، ۷۰)

نویسنده بیت: هر آن کس ز دانش برد توشه‌ای جهانیست بنشسته در گوشه‌ای (انوری،

۱۳۹۴: ۵۲۳)

که انوری در توصیف دانشمند به کار برده، به صورت طنزآمیز برای پدیده‌ای مدرن به نام

تلفن همراه استعمال کرده است.

- شتر به کره‌اش می‌گوید: ای همه شکل تو مطبوع و همه جای تو خوش (همان، ۸۱)

این کاریکلماتور نقیضه‌ای است از حافظ شیرازی:

ای همه شکل تو مطبوع و همه جای تو خوش دلم از عشوه‌ی شیرین شکرخای تو خوش
(۱۳۷۵: ۲۸۰)

- از وقتی با کودکان همخو شده‌ام، کمتر سخن گفته‌ام «غم نان اگر بگذارد». (آزادینخواه،
۱۳۹۰: ۲۸)

این کاریکلماتور با نقیضه‌ای از احمد شاملو شکل گرفته است.

- خشت اول را کج نهاد/ عاشق ثریا شده بود (فرج‌اللهی، ۱۳۹۷: ۱۰)

نویسنده با نقیضه‌ی بیت معروف:

خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج

و پیوند آن با مفهوم ایهامی واژه‌ی «ثریا» طنز موجود در کاریکلماتور را تقویت کرده است.

ب) نقیضه‌ی ضرب‌المثل

ضرب‌المثل یکی از شگردهای آفرینش کاریکلماتور است که امکان بیان فشرده‌ی مفاهیم طنزآمیز را برای گوینده فراهم می‌سازد. «مثل جمله‌ای است کوتاه، مشهور و گاه آهنگین، حاوی اندرزها، مضامین حکیمانه و تجربیات قومی مشتمل بر تشبیه، استعاره یا کنایه که به دلیل روانی الفاظ، روشنی معنا، سادگی، شمول و کلیت در میان مردم شهرت و رواج یافته است و با تغییر یا بدون تغییر آن را به کار می‌برند.» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۲۵) ابراهیم نظام برای مثل چهار امتیاز برمی‌شمرد: اختصار لفظ، وضوح معنی، حسن تشبیه و لطافت کنایه. (بهمنیار، ۱۳۶۹: ۱۸) از آن جا که ضرب‌المثل‌ها بخشی از فرهنگ مردمند و نتیجه و خلاصه‌ی تجربه‌ها، افکار و عقاید یک ملت در طول تاریخ به شمار می‌آیند، نویسندگان کاریکلماتور از پیوند این اندیشه‌های والا با مفاهیم طنزآمیز خود و ایجاد رابطه‌ی مؤثر با مخاطب بهره می‌گیرند «زیرا یک ضرب‌المثل محمل مناسبی است برای جولان دادن یک کاریکلماتورنویس‌ها که ذهن‌شان فعال است و می‌تواند مدام از جنبه‌های مختلف، حول یک ضرب‌المثل مضمون‌های مطایبه‌آمیز جدیدی را شکار کند.» (طالبیان و تسلیم‌جهرمی، ۱۳۹۱: ۱۸-۲۱۷) همایی به اهمیت ضرب‌المثل در جلب

توجه مخاطب تأکید دارد: «گاه باشد که آوردن یک مثل در نظم و نثر یا خطابه و سخنرانی اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه خواننده و شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد.» (۱۳۸۹: ۱۹۱)

نویسندگان کاریکلماتور گاهی عین ضرب‌المثل را به کار می‌گیرند اما کاربرد آن را به گونه‌ای تغییر می‌دهند که طنز مورد نظر در آن‌ها شکل بگیرد:

- حتی موهایم هم می‌دانند که پایان شب سیه سپید است. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۱۶۶)

- برج‌سازها به ضرب‌المثل هر که بامش بیش برفش بیشتر پوزخند می‌زنند. (بهرام‌پورعمران،

۱۳۹۷: ۷۵)

- خطوط ریل به اصل دوری و دوستی ایمان دارند. (همان، ۸۳)

- از بس صورتم را با سیلی سرخ کردم دیگر خونی برایم نمانده است. (آزادیخواه، ۱۳۹۰: ۱۴۸)

- خار هر روز در گوش گل زمزمه می‌کرد مبدا از یادش برود گل بی‌خار خداست. (تنها،

۱۳۹۰: ۵۵)

- روی فیش حقوقش فقط نوشته بود: شتر دیدی ندیدی (همان، ۵۷)

گاهی نویسنده تنها با تصرفی اندک در ضرب‌المثل، مفهومی طنزآمیز می‌آفریند:

- تخم مرغ دزد قانع شتر دزد نمی‌شود. (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۱۴)

نویسنده در این کاریکلماتور، تنها با تغییر فعل در ضرب‌المثل «تخم مرغ دزد شتر دزد

می‌شود» و آوردن صفت قانع برای دزد، مفهومی طنزآمیز آفریده است.

- خیار تلخ سر سبز خود را بر باد می‌دهد. (همان، ۱۸)

نویسنده با تبدیل «زبان سرخ» به «خیار تلخ» از مفهوم دم‌دستی بریدن سر تلخ خیار برای

طنز آفرینی استفاده کرده است.

- در دنیای سیاست چاه‌کن همیشه ته چاه نیست. (آزادیخواه، ۱۳۹۰: ۱۴۸)

نویسنده با تغییر فعل در ضرب‌المثل «چاه‌کن همیشه ته چاه است» و ارتباط آن با دنیای

سیاست به مفهوم طنزآمیز خود عمق بخشیده است.

- با زبان کلمات را رنگ می‌کند و جای قناری می‌فروشد. (تنها، ۱۳۹۰: ۸۸)
در این کاریکلماتور، با تبدیل واژه‌ی «گنجشک» به «کلمات» طنز مورد نظر نویسنده شکل گرفته است.

این شگرد در کاریکلماتورهای زیر نیز مشاهده می‌شود:
- دیگران کاشتند و ما خوردیم، چشم‌شان کور باز هم بکارند تا بخوریم. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۱۰۱)

- زن و شوهر با هم دعوا نکنند و ابلهان باور کنند. (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۲۱)
- ماهی‌ها می‌گویند: همه را برق می‌گیرد ما را مارماهی (آزادبخواه، ۱۳۹۰: ۱۰۲)
- حیا که خوابید، در دیزی را باز گذاشتند. (تنها، ۱۳۹۰: ۷۰)
- تنبان مرد که دو تا شد/ آتش یا شور می‌شود یا بی‌نمک (فرج‌اللهی، ۱۳۹۷: ۱۶)
- بار کج به مقصد می‌رسد/ از بیراهه (همان، ۲۶)
گاهی نویسندگان کاریکلماتور با آوردن ترکیبات و کلماتی اندک از یک ضرب‌المثل، اصل آن را در ذهن مخاطب تداعی می‌کنند:

- آب که گل آلود شد ماهی‌ها از فرصت استفاده کردند و یکدیگر را بوسیدند. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۱۷۳)

این کاریکلماتور ضرب‌المثل «از آب گل آلود ماهی گرفتن» را به ذهن متبادر می‌کند.
- آدم هرچه پیرتر سر به زیرتر (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۲۱)
یادآور ضرب‌المثل «درخت هرچه پربارتر سر به زیرتر» است.
- هر عید گل خانه‌ی ما به سبزه نیز آراسته می‌شود. (همان، ۳۰)
تداعی‌کننده‌ی ضرب‌المثل «گل بود به سبزه نیز آراسته شد» است.
- قسم حضرت عباس می‌خورد که دم خروس نیست، سراب است. (تنها، ۱۳۹۰: ۶۳)
نویسنده در این کاریکلماتور با ضرب‌المثل «قسم حضرت عباس را باور کنم یا دم خروس را» بازی کرده است.

تضاد

تضاد میان دو کلمه یکی دیگر از ترفندهای نویسندگان کاریکلماتور است که با ناهماهنگی میان مفاهیم و نمایش وارونه‌ی آن‌ها به طنز می‌انجامد. هگل در درس گفتارهای زیبایی‌شناسی خود بر عنصر ناهماهنگی و ناهمسازی‌ها تأکید دارد. (۱۹۷۹: ۳۴۲) البته لازم به یادآوری است که به صرف کاربرد کلمات متضاد نمی‌توان طنز آفرید. در نمونه‌های زیر کلمات مشخص شده، در طنز آفرینی مفهوم مورد نظر نویسنده، مؤثر نیستند:

- معمولا عشق با یک نگاه گرم آغاز می‌شود و با آهی سرد به پایان می‌رسد. (گل‌هاشم،

۱۳۹۵: ۱۰۲)

- جسمش لاغر بود اما فکر فربه‌ی داشت. (همان، ۲۱۷)

- امروزم را بد می‌گذرانم تا فردا به آن حسرت نخورم. (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۵۴)

- کوسه دوست و دشمن را به یک اندازه قابل خوردن می‌شمارد. (آزادیخواه، ۱۳۹۰: ۱۰۰)

- سقوط باران صعود رویش است. (همان، ۹۲)

- از تلفن عمومی برای گفتن حرف‌های خصوصی استفاده می‌کنم. (فرج‌اللهی، ۱۳۹۷: ۲۲)

آن چه تضاد را به قلمرو طنز می‌کشاند، پیوند آن با صنایعی چون کنایه، ایهام و... است.

- می‌خواستم از خیرش بگذرم اما او تصمیم داشت از شرم خلاص شود. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۱۸)

در این کاریکلماتور تضاد میان خیر و شر در کنایه‌های «از خیر کسی گذشتن» و «از شر

کسی خلاص شدن» سبب ایجاد طنز شده است.

- آن‌ها که بلند فکر می‌کنند هیچ گاه کوتاه نمی‌آیند. (همان، ۶۲)

تضاد میان بلند و کوتاه در متن کنایه‌های «بلند فکر کردن» و «کوتاه نیامدن» واقع شده که

همین مسأله سبب شکل‌گیری طنز شده است.

- به دلم آمد می‌آیی / آمدی / دلم رفت (فرج‌اللهی، ۱۳۹۷: ۱۰)

در این کاریکلماتور شبکه‌ای از صنایع تضاد و کنایه سبب برجستگی کلام شده است. از

یک سو دو کنایه‌ی «به دل آمدن» و «دل رفتن» تضادی را در خود نهفته دارند و از سوی دیگر

تضاد میان «آمدن» در سطر دوم و «رفتن» در سطر سوم، طنز را در کاریکلماتور شدت بخشیده است.

گاهی نویسنده‌ی کاریکلماتور، یکی از کلمات متضاد را در دو مفهوم به کار می‌برد که یکی از معانی آن، در تقابل با کلمه‌ی دیگر ایهام تضاد می‌سازد. در حقیقت شگفتی طنز موجود در این گونه کاریکلماتورها در همین نکته نهفته است.

- وقتی از عرض خیابان عبور می‌کنم، طولش نمی‌دهم (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۱۷)
نویسنده در این کاریکلماتور، واژه‌ی «طول» را در مفهوم کنایی معطل نکردن به کار برده اما با معنای دیگر آن در تقابل با واژه‌ی «عرض» ایهام تضاد ساخته است. این بازی زبانی را در یکی از کاریکلماتورهای مهدی فرج‌اللهی هم می‌توان دید:

- از روی پل عابر پیاده/ عرض خیابان را/ به طول عمرم اضافه می‌کنم (۱۳۹۷: ۶۲)
در کاریکلماتور:

- شیرین زندگی تلخی را برای فرهاد رقم زد. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۳۲)
بین شیرین و تلخ تضاد است اما هر دو واژه را با مفهوم ایهامی به کار برده که در تقابل با هم دو ایهام تضاد شکل گرفته و به این ترتیب طنز مورد نظر را تقویت کرده است.
این شگرد را در کاریکلماتورهای زیر میان کلمات «بیدار و خواب»، «سیر و گرسنه» و «رفت و آمد» می‌توان دید:

- به افکار بیدارم قرص خواب دادند. (همان، ۲۹)
- آن قدر گرسنه ماند که از زندگی سیر شد. (همان، ۳۴)
- رفتنت برایم آمد نداشت. (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۷)

جناس

جناس کارکرد گسترده‌ای در ایجاد طنز در کاریکلماتور دارد. هرچند مهم‌ترین کارکرد این صنعت را در شعر، تقویت موسیقی دانسته‌اند اما برای این هدف در کاریکلماتور نقش برجسته‌ای نمی‌توان قائل شد.

گاهی معانی متفاوت دو واژه در جناس تام، طنز را در کاریکلماتور رقم می‌زند:
 - تو به آخرین طبقه‌ی یک برج فکر می‌کنی و من به آخر هر برج (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۱۰)
 در این کاریکلماتور تفاوت معنایی برج (ساختمان شیک و ماه) تقابل مفهوم فقر و ثروت را شکل داده و فاصله‌ی شدید طبقاتی را به تصویر کشیده است.

- شیخ اجل همکاری با اجل را تکذیب کرد. (تنها، ۱۳۹۰: ۱۳۹)
 واژه‌ی «شیخ اجل» (سعدی) نویسنده را به بهره‌گیری از مفهوم مرگ و ساخت جناس تام از آن سوق داده است. در کاریکلماتور زیر هم این شگرد را با مفهوم‌سازی از واژه‌ی «نظامی» می‌توان دید:
 - نظامی گنجوی با حکومت نظامی موافق است. (همان، ۱۳۹)
 جرجانی معنای تازه‌ی واژه‌ی دوم جناس را فریبنده و یک بخشش غیرمنتظره می‌داند که مخاطب را غافلگیر می‌کند و بر دل می‌نشیند. (۱۳۷۴: ۴)

نویسندگان کاریکلماتورهای دهه‌ی نود، علاوه بر جناس تام، با جناس‌های دیگر نیز طنز آفرینی کرده‌اند:

- بعضی‌ها امنیت قضایی می‌خواهند و برخی امنیت غذایی (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۳۳)
 - در زندگی بعضی‌ها هم نفس می‌خواهند و بعضی‌ها هم قفس (همان، ۱۰۵)
 - ریزبین‌ترین آدم‌ها الزاما تیزبین‌ترین آدم‌ها نیستند. (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۴۵)
 - گاه سلامی ساده فرسنگ‌ها فاصله را فیصله می‌دهد. (همان، ۷)
 - شیطان عاشق کسانی است که ربا را با رنگ ربا می‌خورند. (تنها، ۱۳۹۰: ۸۸)
 امروزه زبان‌شناسان معنایی متفاوت‌تر و وسیع‌تر از آن چه در بلاغت سنتی از جناس آمده، ارایه داده‌اند. به گونه‌ای که «دامنه‌ی آن به دیگر آرایه‌ها مثل ایهام و ابهام، استخدام و اسلوب‌الحکیم نیز کشیده می‌شود.» (دهقانیان، ۱۳۸۶: ۱۷۷) اما آن چه در کاریکلماتور به ویژه در لفظ‌گرایی کاربرد دارد، گونه‌ای از تعریف این صنعت است که بر اساس آن «دو واژه‌ی متجانس الزاما نباید در روساخت جمله حضور داشته باشند بلکه یکی از آن‌ها می‌تواند در روساخت و دیگری در ژرف‌ساخت حضور داشته باشد.» (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۲۹)

- اگر وضع تان توپ توپ است، مواظب باشید شوت تان نکنند. (گل هاشم، ۱۳۹۵: ۸۵)
- نویسنده واژه‌ی «توپ» را در معنای «بسیار خوب و عالی» به کار برده است اما به سبب تجانس ذهنی با شوت کردن، معنای توپ فوتبال را از آن استنباط کرده و طنز ساخته است. هرچند این نوع جناس با ایهام تناسب همخوانی دارد اما قصد نویسنده عمق بخشی به مفهوم متن نیست بلکه بازی زبانی و شوخی با واژه‌ها سبب ساخت کاریکلماتور می شود.
- وقتی شستش خبردار شد که دیگر هفتاد سالش بود. (بهرام پورعمران، ۱۳۹۷: ۱۶)
- نویسنده بین معنای دوم شست (عدد) با هفتاد تناسب ذهنی برقرار کرده است.
- هرگاه همسرم جوش بیاورد، من چای دم می کنم. (همان، ۸۵)
- نویسنده با ترکیب کنایی «جوش آوردن» جوشیدن آب را هم مدنظر داشته و در ادامه با جای دم کردن، بین آن‌ها پیوند طنزآمیزی برقرار کرده است. این شگرد در کاریکلماتورهای زیر هم به چشم می خورد:
- قرص ماه را داروخانه نمی فروشد. (تنها، ۱۳۹۰: ۷۴)
- عروس دریایی دنبال داماد می گشت. (همان، ۱۱۴)
- نانوش را آجر کردند، شد بساز و بفروش (همان، ۱۴۹)

تلمیح

- در صنعت تلمیح، گوینده با اشاره‌ای کوتاه به داستان یا حادثه‌ای تاریخی، کل ماجرای مورد نظر را در ذهن مخاطب تداعی می کند. در حقیقت با الفاظی اندک، معانی و حوادث بسیاری را در ذهن می پروراند. به همین سبب، این آرایه علاوه بر تداعی معانی، با ایجاز نیز مرتبط است. نویسندگان کاریکلماتور که همواره در پی انتقال سریع مفاهیم طنزآمیز خود به مخاطب هستند، از این کارکرد ایجازی هم به خوبی بهره می برند. آن‌ها گاهی با کمک داستان‌های معروف ادبی، تاریخی و دینی معانی مورد نظر خود را در ذهن مخاطب گسترش می دهند:
- خروس پس از خواندن منطق الطیر عاشق سیمرخ شد (بهرام پورعمران، ۱۳۹۷: ۷۱)

نویسنده در این کاریکلماتور با انگیزه‌ی رابطه‌ی معنایی بین خروس و مرغ از داستان منطق الطیر و سیمرغ بهره گرفته است.

- اولین حقوق بشر را قابیل زیر پا گذاشت. (تنها، ۱۳۹۰: ۵۸)

نویسنده برای تداعی مفهوم جدید زیرپا گذاشتن حقوق بشر در ذهن مخاطب، از حادثه‌ی دینی کشته شدن قابیل بهره برده است.

- شیطان سیب را که دست حوا دید، گفت دست مریزاد! (همان، ۵۹)

این کاریکلماتور اشاره دارد به وسوسه‌ی شیطان برای چیدن سیب و رانده شدن آدم و حوا از بهشت.

- بعضی‌ها خنده بر لب دارند اما دل‌شان هیروشیماست. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۱۱)

نویسنده برای به تصویر کشیدن اندوه، از حادثه‌ی تاریخی بمباران اتمی هیروشیما استفاده کرده و دل آدم‌های غمگین را هیروشیما دانسته است.

- سببی که از درخت سقوط کرد حق بزرگی به گردن نیوتن دارد. (آزادیخواه، ۱۳۹۰: ۱۳۸)

این کاریکلماتور اشاره دارد به افتادن سیب از درخت و کشف قانون جاذبه‌ی زمین.

بهرام‌پورعمران نیز با این مفهوم تلمیحی کاریکلماتوری ساخته است:

- سیب پرجاذبه‌ترین میوه‌ی روی زمین است. (۱۳۹۷: ۷۱)

در کاریکلماتورهای دهه‌ی نود، مفاهیم تلمیحی که با کمک باورهای عامیانه به وجود آمده‌اند، بسامد بالایی دارد.

- دنیا روی شاخ گاو حساب می‌کند. (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۴۲)

طبق یک باور اسطوره‌ای زمین روی شاخ گاو قرار دارد و گاو پشت ماهی بزرگی ایستاده است.

نویسنده از این باور عامیانه برای ساخت کاریکلماتور استفاده کرده است.

- داروگ جد اعلامی سازمان هواشناسی است. (همان، ۷۶)

نویسنده در این کاریکلماتور اشاره‌ی کوتاهی دارد به یک باور عامیانه در بین مردم

مازندران. داروگ قورباغه‌ی درختی است که در بئر مازندرانی‌ها آواز آن نشانه‌ی آمدن باران

است. به همین سبب، نویسنده آن را جد سازمان هواشناسی دانسته است.

- چون خرافاتی بود چهاردهمی را نیز باردار شد. (همان)

این کاریکلماتور با کمک باور عامیانه‌ی نحس بودن عدد سیزده ساخته شده است.

- چون شیشه‌ی عمر هیچ دیوی را نتوانست پیدا کند تنگ آب ماهی طلایی را کوبید به زمین (آزادخواه، ۱۳۹۰: ۹۸)

طبق یک باور عامیانه برای نابودی دیو باید شیشه‌ی عمرش را شکست که این باور در ساخت این کاریکلماتور نقش داشته است.

- کاش / گره سبزه‌ی عید / گره از ابروانت باز کند. (فرج‌اللهی، ۱۳۹۷: ۱۲)

اشاره به گره زدن سبزه‌ی عید بر اساس باور اسطوره‌ای پیوند مشی و مشیانه.

- نانوا هم جوش شیرین می‌زند بیچاره فرهاد! (همان، ۱۰)

نویسنده با آرایه‌ی ایهام تناسب در جوش شیرین و پیوند تلمیحی آن با داستان فرهاد، قلمرو مفهومی طنز را گسترش داده است.

تجسم

تجسم یکی از تکنیک‌های ساخت کاریکلماتور است که زمینه را برای تصویری کردن مفاهیم طنزآمیز فراهم می‌آورد. این شیوه را می‌توان ابزاری برای تنوع و تقویت معنا دانست که ظرفیت فوی‌العاده‌ای در اختیار نویسنده قرار می‌دهد. کتاب‌های بدیع جدید، این صنعت را به دو گونه تقسیم کرده‌اند. نوع اول «عینی کردن امری ذهنی و به اصطلاح تصویری کردن آن به وسیله‌ی تشبیه مضمیر است.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۱۰) بررسی کاریکلماتورهای دهه‌ی نود نشان می‌دهد که نویسندگان از این گونه تجسم کمتر بهره برده‌اند.

با این حال نمونه‌هایی از آن را می‌توان در کاریکلماتورهای گل‌هاشم مشاهده کرد:

- در غرفه‌ی هوسبازان عشق را به حراج گذاشته‌اند. (۱۳۹۵: ۴۸)

عشق امری ذهنی است اما نویسنده به گونه‌ای مضمیر یا استعاری آن را به کالایی تشبیه کرده است که به حراج گذاشته‌اند.

- برای باز شدن اشتهاش کلیدساز آورد. (همان، ۲۴۰)

باز شدن اشتها امری غیرمادی است اما نویسنده آن را به دروازه‌ای مانند کرده است که با کوشش کلیدساز باز خواهد شد.

- مدتی است زبان خارجی‌ام تاول زده است. (همان، ۲۴۰)

نویسنده در این کاریکلماتور زبان خارجی را که قابل رویت نیست، مانند زبان (یکی از اعضای بدن) در نظر گرفته و تاول زدن را به آن نسبت داده است.

هرچند شمیسا در تعریف نوع این اول این صنعت، ایجاد آن را در گرو تشبیه مضمیر دانسته اما به نظر می‌رسد می‌توان آن را علاوه بر تشبیه، در حوزه‌ی استعاره هم جای داد. در نوع دوم «اگر بیت یا مصرعی از بیت حالت تابلوی نقاشی داشته باشد و تصویری غریب را در ذهن مجسم کند» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۱۰) آرایه‌ی تجسم یا تصویرسازی شکل می‌گیرد. نویسندگان کاریکلماتور از این صنعت برای نمایشی کردن اندیشه‌های طنزآمیز خود بسیار بهره برده‌اند.

- دهان دره‌ها به روی رانده‌هایی که خمیازه می‌کشند باز است. (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۹۱)

این کاریکلماتور با آرایه‌های چندلایه و حذف بخشی از تصاویر، گویی تابلویی را با کلمات نقاشی کرده است. رانده‌ای در حال خمیازه کشیدن است. دره‌های اطراف دهان‌شان را گشوده و منتظر رانده‌اند. یک لحظه غفلت، رانده را به کام دره‌ها می‌کشاند. دهان دره‌ها با توجه به خمیازه، دهن‌دره را به ذهن خواننده می‌آورد که این ایهام تبادر با استعاره‌ی موجود در این ترکیب، بر رنگارنگی این تابلو افزوده است.

- قارچ گیاه چتربازی است. (همان، ۷۰)

در این کاریکلماتور تشابه قارچ و چتر تابلویی را در ذهن مخاطب به نمایش گذاشته است. شکل ظاهری قارچ، چتربازی را به ذهن متبادر می‌کند که روی زمین فرود آمده. مفهوم کنایی چترباز به معنی کلک باز و ناقلا نیز مدنظر نویسنده بوده است.

- اره پس از بریدن درخت دندان‌هایش را خلال می‌کند. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۲۵)

اره‌ای را در نظر بگیرید که در حال بریدن درخت است. پس از قطع درخت، ریزه‌های چوب در لای دندان‌های او گیر می‌کند. او با خلال دندان، باقی‌مانده‌ی چوب را از لای دندان‌ها

برمی‌دارد. در حقیقت نویسنده‌ی این کاریکلماتور تابلوی زیبایی کشیده و اره را با آرایه‌ی تشخیص به انسانی تشبیه کرده که بعد از خوردن غذا دندان‌هایش را خلال می‌کند.

- چهره‌ی زیبایش فرودگاه نگاه‌ها شد. (همان، ۱۲۶)

نویسنده در این کاریکلماتور، تابلویی را نقاشی کرده که نگاه‌های عاشق مانند هواپیما بر روی باند چهره‌ی او فرود می‌آیند.

- گاهی دیوارها آدم مست را به هم پاس می‌دهند. (همان، ۲۲۰)

در این تابلوی نقاشی آدم مست در میان دیوارها تلوتلو می‌خورد و دیوارها نیز این آدم ناهشیار را مانند توپ فوتبال به هم پاس می‌دهند.

- اتومبیل / با دیدن دره / دودستی گاردیل را چسبید. (فرج‌اللهی، ۱۳۹۷: ۶۶)

این تابلو جاده‌ای را به تصویر می‌کشد که اتومبیلی در آن در حال حرکت است. این اتومبیل با دیدن دره به طرف گاردیل می‌رود و از ترس افتادن، دودستی آن را می‌چسبد.

حسن تعلیل

حسن تعلیل «آن است که برای صفتی یا مطلبی که در سخن آورده‌اند علتی ذکر کنند که با آن مطلب مناسبت لطیف داشته باشد.» (همایی، ۱۳۸۹: ۲۶۰) همایی برای کارکرد زیباشناسی این صفت، شرطی را ذکر کرده است که «این علت ادعایی باشد نه حقیقی» (همان) شمیسا ساختار حسن تعلیل را مبتنی بر تشبیه می‌داند. به اعتقاد او «علتی که برای معلول ذکر می‌شود حقیقت ندارد بلکه شاعر بر اثر تشبیهی که در ذهن او صورت گرفته است چنین ادعایی می‌کند.» (۱۳۸۱: ۱۷۱)

نویسندگان کاریکلماتور با کمک این صنعت بین دو امر متفاوت که در عالم واقع پیوندی میان‌شان نیست، رابطه‌ی تخیلی می‌آفرینند و با این شگرد مفاهیم طنزآمیز را برجسته می‌کنند.

- وقتی اتوبوس به ایستگاه رسید همه به احترامش می‌ایستند. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۱۲)

در عالم واقع مسافران با دیدن اتوبوس از روی صندلی ایستگاه می‌ایستند تا سوار شوند اما نویسنده در یک ادعای یرواقعی حالت ایستادن مسافران را به دلیل احترام به اتوبوس دانسته است.

- خیلی از نوشته‌هایم از ترس سانسور مفقودالایر شدند. (همان، ۱۶۵)
 نویسنده گم شدن نوشته‌های خود را به علت ترس از سانسور دانسته است.
 - آدم‌برفی به سبب استقبال گرم بازدیدکنندگان از خجالت آب شد. (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷:
 ۷۲)

علت آب شدن آدم‌برفی، در عالم واقع، گرمای نور خورشید است اما شاعر با کمک
 ترفندهای تشبیه و تشخیص و خلق یک علت غیرواقعی، دلیل آن را استقبال گرم بازدیدکنندگان
 می‌داند.

- ماهی برای ابراز شکایت از محیط‌زیست بر آب آمد. (آزادینخواه، ۱۳۹۰: ۱۰۴)
 در عالم واقع گاهی ماهی سرش را از آب بیرون می‌آورد اما نویسنده در علتی غیرواقعی
 ابراز شکایت از محیط‌زیست را دلیل آن دانسته است.

- ماهی‌ها هم گریه می‌کنند. می‌گویی نه؟ آب دریا را بچش (همان)
 نویسنده علت شوری آب دریا را گریه‌ی ماهی فرض کرده است.
 کاریکلماتورهای زیر هم با شگرد حسن‌تعلیل ساخته شده است:

- چون مادرش لال بود به زبان پدری‌اش تکلم می‌کرد. (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۱۶۹)
 - چون گوش شنوایی نمی‌یابم حرف‌هایم را می‌نویسم (همان)،
 - چون گوشم بدهکار بود بازداشتم کردند. (آزادینخواه، ۱۳۹۰: ۵۰)
 - زخم معده‌مان نتیجه‌ی در دل گریستن است. (همان، ۵۴)

- به سبب ترس از ارتفاع رسیدن به مراتب رفیع را آرزو نمی‌کنم. (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷:
 ۶۷)

- هواپیما از ترس سقوط است که صعود می‌کند. (همان، ۶۸)
 هرچند علمای بلاغت بر غیرواقعی بودن علت ادعایی در حسن‌تعلیل تاکید کرده‌اند اما
 گاهی نویسنده علتی واقعی و حقیقی را در این صنعت مطرح می‌کند. شمیسا نیز بر این نکته
 اذعان دارد که در تعلیل نوع اول «علتی که ذکر می‌شود واقعی و حقیقی است اما در ربط آن با

معلول، ظرافت و لطافتی است و این به وسیله تشبیه صورت می‌گیرد.» (۱۳۸۱: ۱۷۷) گاهی نویسندگان کاریکلماتور نیز از علتی واقعی در حسن تعلیل بهره می‌گیرند:

- چون خرافاتی بود چهاردهمی را نیز باردار شد. (بهرام‌پورعمران، ۱۳۹۷: ۷۵)

نویسنده باردار شدن چهاردهمین فرزند را به گونه‌ای ظریف به باور عامیانه‌ی نحس بودن عدد سیزده مرتبط می‌کند. این علت هرچند ناممکن به نظر نمی‌رسد اما مخاطب با این علت واقعی، با مفهومی ژرف‌تر مواجه خواهد شد. این علت واقعی را در کاریکلماتور زیر هم می‌توان مشاهده کرد:

- بعضی‌ها به خاطر این که پرویز شاپور کاریکلماتور می‌گفت و شوهر خوبی برای فروغ نبود، از من بدشان می‌آید. (همان، ۱۶)

- چون کسی به من آقای فوق‌لیسانس نمی‌گفت دکتر شدم. (همان، ۷۶)

نویسنده برای دریافت مدرک دکتری خود علتی حقیقی آورده است زیرا در عالم واقع به کسی که مدرک فوق‌لیسانس دارد آقای فوق‌لیسانس نمی‌گویند.

- چون پرنده نیستم بر پرتگاه‌ها خانه نمی‌سازم. (آزادیخواه، ۱۳۹۰: ۲۴)

نویسنده ادعا می‌کند که بر لبه‌ی پرتگاه خانه نمی‌سازد چون پرنده نیست. مخاطب در این کاریکلماتور هرچند با یک ادعای واقعی مواجه می‌شود اما به سبب ظرافت ادعا آن را می‌پذیرد و لذت می‌برد.

نتیجه

کاریکلماتور یکی از گونه‌های طنز و مطایبه در ادبیات معاصر است که بسیاری از شگردهای طنزآفرینی در ساخت آن به کار می‌رود. نویسندگان کاریکلماتور به سبب توجه به عنصر زبان، از ظرفیت‌های بازی‌های برای مضمون‌آفرینی بهره می‌برند. معمولاً بازی‌های زبانی در سایه‌ی آرایه‌های بدیعی و بیانی شکل می‌گیرد که مبتنی بر تصاویر و ایماژهای شاعرانه‌اند. با پژوهشی که در مجموعه کاریکلماتورهای دهه‌ی نود صورت گرفت، نشان دادیم که نویسندگان این دهه، با کاربرد شگردهای کنایه، ایهام، تضاد، جناس، تلمیح، نقیضه از شعر و ضرب‌المثل، تجسم و حسن‌تعلیل علاوه بر رویکرد تصویرسازی و طنزآفرینی، مقوله‌ی بازی‌های زبانی را نیز مدنظر قرار داده‌اند. تحلیل آماری این مجموعه‌ها نشان داد که شگردهای کنایه و ایهام در میان عناصر تصویرساز و طنزآفرین بسامد فراوانی دارند و بیش از دیگر شگردها مورد توجه نویسندگان قرار گرفته‌اند. همچنین در بین نویسندگان این دهه، سهراب گل‌هاشم با ۲۳۶ مورد و بهرام‌پورعمران با ۲۰۴ مورد بیشتر از دیگر نویسندگان از ظرفیت بازی‌های زبانی برای ساخت کاریکلماتور بهره برده‌اند.

آمار عناصر تصویرساز در کاریکلماتورها

	کنایه	ایهام	نقیضه	تضاد	جناس	تلمیح	تجسم	حسن‌تعلیل
گل‌هاشم	۹۵	۴۸	۹	۳۵	۱۴	۳	۲۵	۷
بهرام‌پورعمران	۵۹	۸۵	۲۴	۳	۷	۱۲	۵	۹
آزادبخواه	۲۸	۴	۹	۸	۳	۲	۸	۹
تنها	۳۱	۲۲	۸	۲	۸	۵	۴	۲
فرج‌اللهی	۱۶	۶	۳	۹	۲	۲	۲	۳

منابع و مأخذ

- ۱- آذایخو، محمدعلی. خوشمزه‌ترین میوه درخت. تهران: آموت، ۱۳۹۰.
- ۲- اخوان ثالث، مهدی. نقیضه و نقیضه‌سازان. به کوشش ولی‌الله درودیان، تهران: زمستان، ۱۳۷۴.
- ۳- اخوت، احمد. نشانه‌شناسی مطایبه. اصفهان: نشر فردا، ۱۳۷۱.
- ۴- استعلامی، محمد. شرح مثنوی. چاپ پنجم، تهران: زوار، ۱۳۷۵.
- ۵- انوری، واحداالدین محمد. دیوان. به اهتمام پرویز بابایی، چاپ دوم، تهران: نگاه، ۱۳۹۴.
- ۶- انوشه، حسن. فرهنگ‌نامه‌ی ادب فارسی. ج ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۷- بهرام‌پورعمران، احمدرضا. رفتنت برایم آمد نداشت. چاپ سوم، تهران: مروارید، ۱۳۹۷.
- ۹- بهمنیار، احمد. داستان‌نامه بهمنیاری. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۰- پورنامداریان، تقی. سفر در مه. تهران: نگاه، ۱۳۸۱.
- ۱۱- تفتازانی، سعدالدین بن عمر. مطول. تهران، ۱۳۷۴ قمری.
- ۱۲- حافظ، شمس‌الدین. دیوان شعر. به سعی سایه، تهران: کارنامه، ۱۳۷۵.
- ۱۳- حسینی، سیدحسین، بیدل. سپهری. سبک هندی، چاپ چهارم، تهران: سروش، ۱۳۸۷.
- ۱۴- خوش‌وقتی، امیر. اتو برای چروک صورت. تهران: افراز، ۱۳۹۰.
- ۱۵- جرجانی، عبدالقاهر، به کوشش جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۶- دهقانیان، جواد، بررسی محتوا و ساختار طنز در نثر مشروطه (رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، استادان راهنما: دکتر محمدحسین کرمی و دکتر زهرا ریاحی‌امین، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۶).
- ۱۷- دیچز، دیوید. شیوه نقد ادبی. ترجمه محمدتقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی، چاپ چهارم، تهران: علمی، ۱۳۷۳ - ذوالفقاری، حسن، فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی، جلد اول، تهران: معین، ۱۳۸۸.
- ۱۸- شفیعی کدکنی، محمدرضا. صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه، ۱۳۷۵.
- ۱۹- شفیعی کدکنی، محمدرضا. موسیقی شعر. چاپ سیزدهم، تهران: آگاه، ۱۳۹۱.
- ۲۰- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ادوار شعر فارسی. تهران: سخن، ۱۳۸۰.
- ۲۱- شمیسا، سیروس. انواع ادبی. چاپ پنجم، تهران: فردوس، ۱۳۷۶.
- ۲۲- شمیسا، سیروس. نگاهی تازه به بدیع. چاپ چهاردهم، تهران: میترا، ۱۳۸۱.
- ۲۳- صفا، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات ایران. چاپ یازدهم، جلد پنجم، تهران: فردوس، ۱۳۸۲.

- ۲۴- طالبیان، یحیی تسلیم‌جهرمی، فاطمه، کاریکلماتور در گستره ادبیات فارسی، تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۱.
- ۲۵- عزیزمحمدی، فاطمه، «کاریکلماتور در وادی قابوس‌نامه» *روزنامه آفتاب* یزد، سال چهاردهم، شماره ۱۷۶۱، ص ۷، ۱۳۸۵.
- ۲۶- فتوحی، محمود. *بلاغت تصویر*. تهران: سخن، ۱۳۸۵.
- ۲۷- فرج‌اللهی، مهدی. *نانوا هم جوش شیرین می‌زند بیچاره فرهاد*. تهران: نیلوفر، ۱۳۹۰.
- ۲۸- کردیچه، لیلا شریفی، غلامحسین، «ایجاز و صنایع ادبی، زیربنای کاریکلماتور» *ادبیات پارسی معاصر*، سال چهارم، شماره سوم، صص ۱۴۰- ۱۱۷، ۱۳۹۳.
- ۲۹- گل‌هاشم، سهراب. *قلم کم‌حرف*. تهران: افراز، ۱۳۹۵.
- ۳۰- مولوی، شمس‌الدین محمد. *کلیات شمس تبریزی*. تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۹۶.
- ۳۱- هاشمی، سیداحمد. *جواهرالبلاغه فی المعانی و البیان و البدیع*. تهران: الهام، ۱۳۷۷.
- ۳۲- همایی، جلال‌الدین. *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: اهورا، ۱۳۸۹.
- 33- Abrams. m. h. (1999). *A glossary of literary terms/ seventh*. Ed. Boston: heinle .
- 34- Hegel. G. w. f (1979). *Esthetique*. Traduction originale par s. jankelevitch. Mparis: aubier.

Analysis of Illustrator Elements in Humor (Based on the caricatures of the nineties)

Leila Mohammadnejad Kalkanari*

Hossein Parsai Ph.D**

Hesam Ziaei Ph.D**

Create humorous situations.

This study aims to investigate the relationship between language games and images and caricature space and to statistically analog .

The effects of creating humorous concepts .

By examining the five sets of caricatures of the nineties. The authors have considered the techniques of creating humor in the categories of irony, a ambiguity, pan allusion the contradiction of poetry and the proverb of good interpretation and embodiment.

Among these illustrative and humorous elements, irony and ambiguity are the most common in the collection of caricatures of the nineties.

Keywords: Caricature, Irony, language game, image, nineties.

* PhD Student in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Ghaemshahr, Iran.

Email: L_mohammadnejad96 @ yahoo. com

** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Ghaemshahr Branch, Ghaemshahr, Iran (Corresponding Author).

*** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Ghaemshahr Branch, Ghaemshahr, Iran.